

حباب بازی



مهدی استاداحمد

مردی که صبح تاشب دنبال نان و آب است

وقتی اجاره خانه بی حدوبی حساب است

از کارخانه‌داران حالی اگر خراب است

دلال اگر که جایی در حال فتح باب است

گفتم که ماه من شو جانم در التهاب است

اشکش اگر در آید، آن اشک نه، حباب است

غمباد شهروندان غمباد نه، حباب است

کالای باد کرده کالا که نه، حباب است

پولی که گرد ده، گردی که نه، حباب است

افسوس از اینکه دیدم آن ماه هم حباب است

ایران – اسپانیای امشب و تصویر «رابط فرانسوی»

مشهورترین نمای فیلم نفس گیر «رابط فرانسوی» (وليام فرید کین، ۱۹۷۱) تصویری است از کارآگاه روسو (روی شایدر) که پایین پلکان، بالاخره و بعد از تقیب و گریزی مرگبار و طولانی، توانسته به ضارب سوپر حرفه‌ای (مارسل بوزوفی) شلیک کند.ضاربی که مشهورترین نقش بازیگر صورت سنگی‌اش را رقم زد و حجم قابل اعتنایی از التهاب فیلم، بر اثر مهارت جنایتکارانه او شکل می‌گیرد. این نما بر خلاف تئوری قدیمی زیبایی‌شناسی تصویر سینمایی خلق شده است. آن تئوری مبتنی بر این بود که وقتی می‌خواهیم شخصیت فیلم را بزرگ بداریم از او نمای «رو به بالا» بگیریم. اما در اینجا، دوربین از بالای پله‌ها و با زاویه رو به پایین، نما را گرفته و پلیس موفق، در ابعادی کمی بزرگ‌تر از یک مورچه، آن ته وان پایین دیده‌می‌شود. کارگردان کسی است که بعداز این فیلم، «جن گیر» را ساخت و در خلق اضطراب، استاد کار محسوب می‌شود می‌شود. جست‌وجوی

هشتگ روز

اهالی تویبتر فارسی در هفته گذشته در گیر و غمگین خبر مربوط به تجاوز به گروهی از دختران شهر ایران‌شهر بودند و هم‌زمان هشتگ «دختران _ ایران‌شهر» را با نوشته‌های همدلانه، داغ کردند. اما صبح روز سه‌شنبه اتفاق دیگری رخ داد و این هشتگ در کنار همه نوشته‌های غمگین، محلی شد برای نوشته‌هایی درباره اطلاع رسانی وفرهنگ‌سازی برای این بحران اجتماعی و از همه جالب‌تر محلی برای گزارش از دخترانی که در شهر تهران، پلاکاردهایی درباره کمک به قربانیان این بحران، در دست گرفتند و برای فرهنگ‌سازی تلاشی واقعی و نه مجازی انجام دادند. کاربری با انتشار عکسی از این دختران در خیابان ولیعصر نوشت: «اتفاق خوب: چند دختر

خودشیفتگی ترامپ و تلاش برای بازی دوباره

اختلالات روانی و مشکلات روحی ما نه تنها می‌توانند زندگی فردی که گاهی زندگی جمعی و یک جهان را تحت‌تاثیر قرار دهد. اگر پذیرش این نکته برای شما سخت است، این تحلیل دکتر سیدحسن فیروزآبادی از دلایل خروج ترامپ از برجام را بخوانید: «فرد خودشیفته، خواهان نقش اول و بازی به عنوان ستاره نمایش است. حس حقارت و تمایل نیرومند برای غلبه بر آن نیرویی عظیم او را وادار می‌کند تا هر بازی‌ای را که در آن نقش اول ندارد، به هم بزند و دوباره نمایش را برای دیده شدن خود به راه ببندازد. به این ترتیب نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که ترامپ نه درصدد جنگ است و نه حتی اعمال فشار شدید تا حد فروپاشی ایران. او تنها مذاکره‌ای دوباره می‌خواهد که این بار نقشش به عنوان مهره اصلی به رسمیت شناخته‌شود.»

تیتیر مصور اُزیر پرچم زمین ما همه برابریم

آنه‌دیرن



- صاحب امتیاز و مدیرمسئول:** الیاس حضرتی
- جانشین مدیر مسوول و رئیس شورای سیاستگذاری:** بهروز بهزادی
- سردبیر:** سیدعلی میرفتاح
- معاون اجرایی:** حجت طهماسبی
- مشاور مدیر مسوول:** محمد حضرتی
- رئیس سازمان آگهی ها:** علی حضرتی
- نشانی:** خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، پن بست مینو
- تلفن:**خانه ۰۲۵-۶۶۱۲۴۰۶۶۱۲۴۰۲۴ - نمابر: ۰۲۱-۶۶۱۲۴۰۶۶۱۲۴۰۲۴
- توزیع:** نشر گستر امروز ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰
- چاپ:** نشر روز تاب ■ تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶

■ اذان ظهر:۱۲/۶ ■ غروب آفتاب: ۲۰/۲۳ ■ اذان مغرب: ۲۰/۴۴ ■ اذان صبح فردا: ۴/۰۲ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵/۴۹

دروازه سرخ

سهیل سربایان

بیابیم رویاپردازی کنیم

هرروز تب فوتبالی اینجا داغ‌تر می‌شود. کافه‌ها و بارها تا صبح باز هستند و مردم انگار دیگر شنب‌ها نمی‌خوانند. کم‌کم ایرانی‌ها از سن پترزبورگ به قازان می‌رسند و خودشان را برای بازی حساس با اسپانیا آماده می‌کنند. همه امیدواریم، همه رویا داریم. این بهترین لذت دنیاست؛ «رویاپردازی». روس‌ها خیلی خوشحال هستند.از تک‌تک لحظات استفاده می‌کنند.تایبشتر در باره روسیه و مردمش به همه توضیح دهند. تا متوجه می‌شوند خارجی هستی با لیخنذاز شمای پرسند: «روسیه را تا الان دوست داشته‌ای؟» یا «به کشور ما خوش آمدی، امیدواریم بهت خوش بگذره». بگذارید چیزی را اینجا بنویسم. گاهی اوقات وقتی اتحاد ملت‌های دیگر را اینجا می‌بینم کمی افسوس می‌خورم. مسا هماهنگ نیستیم. ما حتی در اسنادبوم در بازی مراکش بیشتر از آنها بودیم. اما کسی متوجه نمی‌شد. ما باید بیشتر یک «تیم» باشیم. باید کار تیمی یاد بگیریم. اینجا، در جام جهانی همه تمرین اتحاد و یکی شدن می‌کنند. همه ملیت‌ها کشورهای مختلف را تشویق می‌کنند و در غم و شادی‌های یکدیگر شریک می‌شوند. بسیاری از ایرانی‌ها نتوانستند قطارهای مجانی به قازان را گیر بیاورند و قطارها همه پر شده‌اند. اما به هر روشی که شده خودشان را دارند به قازان می‌رسانند. چند شب پیش رو به روی موزه آرمنیاز، گروهی از مردم جمع شده بودند و فوتبالی بازی می‌کردند. ایران هم یک تیم داشت. شهرام حقیقت دوست و بهنام بانی با دو سه تا ایرانی دیگر مشغول به بازی شدند. بچه‌ها مساوی کردند، داور از روسیه بود و تیم حریف تلفیق آمریکای لاتین با مصر. در مترو، ایستگاه‌های قطار و رسماً همه جا رنگ فوتبال دیده می‌شود. ما می‌خواهیم در کاران «معجزه» کنیم. امیدوارم تیتیر یادداشت بعدی‌ام از کاران این باشد «ما اسپانیا را هم بردیم». اینجا روسیه، جام جهانی و ایران را حالا همه می‌شناسند.

به گواهی تاریخ، یکی از پدیده‌هایی که می‌تواند منجر به همدلی و همبستگی ملی میان افراد یک کشور شود، جنگ است. اما در دوران مدرن، خلاقیت و دانش بشری توانسته راه‌حل‌های جذاب‌تر و کم‌خطرتری برای تحقق همدلی و همبستگی ملی ابداع کند؛ از شفافیت سیاسی و مدیریتی و ایجاد ساز و کارهای مشارکتی دموکراتیک در تصمیم‌گیری‌های کلان گرفته تا شادی‌های عمومی که شور و نشاط را به زندگی و روحیه شهروندان تزریق می‌کند؛ نمونه‌اش، هزارها کارناوالی که به نام‌ها و بهانه‌های مختلف این طرف و آن طرف دنیا برگزار و حتی تبدیل به جاذبه‌های توریستی و پولساز می‌شوند. واقعا جای ترس و نگرانی نیست. همین جمعه‌شب گذشته در گوشه‌کنار کشور مردم تا پاسی گذشته از نیمه‌شب شادی و پاکبویی کردند و نه تنها ستونی نلرزید و دیواری ترک بر نداشت، که خون نشاط وارد رگ‌های جامعه شد. لیخند، شور، هیجان، شادی.

اینجا چیزهایی هستند که جامعه ما عمیقاً به آنها نیاز دارد. جای شادی در زندگی اجتماعی ما خالی است. چه ایرادی دارد با رعایت همه دلسوزی‌ها و مراقبت‌ها و نظارت‌ها باشگاه‌های جوانان داشته باشیم؟ با حذف مکان‌هایی برای تخلیه شور و هیجان جوانی، شور و هیجان جوانی حذف نخواهد شد؛ صرفاً این ماییم که امکان مراقبت و نظارت بر رفتار فرزندان مان را از دست می‌دهیم. آنها هم، یا به خلوت‌های ناشناخته پناه می‌برند، یا در اولین فرصت چمدان‌های‌شان را می‌پندند و می‌روند. این رفتار ما، من را یاد مادرها و پدرهایی می‌اندازد که به فرزندان‌شان می‌گویند «هر غلطی می‌خوای بکنی، برو بکن. فقط تو این خونه نباشه». غافل از اینکه «خانه» بی آدم‌هایش چیزی نیست جز مشتی آهن و گچ و خاک. این را مقایسه کنید با مسوولیت‌پذیری و دلسوزی مادرها و پدرهایی که به جوان‌های‌شان می‌گویند «هر کاری خواستی بکنی، بیا تو همین خونه بکن. «اینها زودتر پیر می‌شوند؛ شک ندارم. احتمالاً خیلی چیزها خواهند دید که تا ر موهای‌شان را سفید خواهد کرد، در عین حال چون همه‌چیز -یا دست کم بیشتر چیزها- زیر نظرشان است، می‌توانند جلوی پیشروی‌های خطرناک را بگیرند. این هم هست که آزادی، فرزندان‌شان را در محذوراتی اخلاقی -عاطفی قرار می‌دهد که مانع عبور از خیلی خطرقرمزها می‌شوند؛ مگر نه اینکه الانسان حریص علی ما منع منه؟ کسی که محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های کمتری داشته باشد، عطش کمتری هم برای آن کارهای دگر خواهد داشت. آزادی ترس ندارد. شادی هم.



ای شادی، ای آزادی